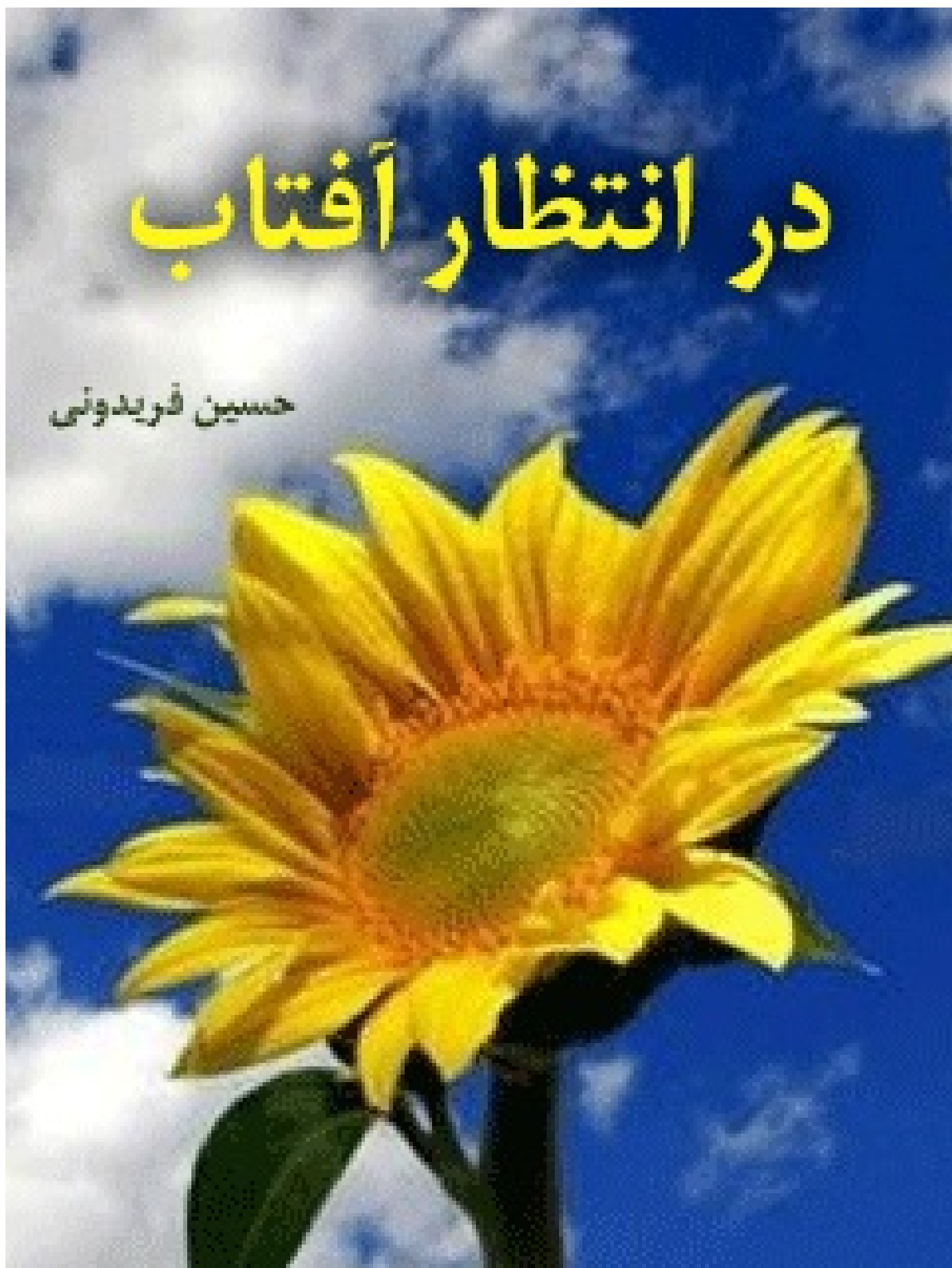


# در انتظار آفتاب

حسین فریدونی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# در انتظار آفتاب

نویسنده:

حسین فریدونی

ناشر چاپی:

نبا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	در انتظار آفتاب
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۱۰	ادیان و مهدویت
۱۳	مهدویت از نظر منابع اسلامی
۱۳	آیات قرآنی در مورد مهدویت
۱۴	نگاهی به مهدویت از طریق اهل سنت
۱۶	مهدویت در نگاه تشیع
۱۶	پاورقی

## در انتظار آفتاب

## مشخصات کتاب

- سرشناسه: فریدونی حسین ۱۳۲۱ -  
 عنوان و نام پدیدآور: در انتظار آفتاب (بحثی پیرامون اصالت مهدویت) حسین فریدونی  
 مشخصات نشر: تهران موسسه نبا ۱۳۷۷.  
 مشخصات ظاهری: ۴۰ ص ۱۲ ۲۰ س م  
 شابک: ۹۶۴-۹۶۴۳-۶۶۴۳-۰۳-۵؛ ۱۰۰۰ ریال چاپ اول؛ ۱۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۲۰۰۰ ریال (چاپ سوم)  
 یادداشت: چاپ اول ۱۳۷۷.  
 یادداشت: چاپ دوم: پائیز ۱۳۷۸.  
 یادداشت: چاپ سوم ۱۳۷۹.  
 یادداشت: عنوان دیگر: بحثی پیرامون اصالت مهدویت  
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس  
 عنوان دیگر: بحثی پیرامون اصالت مهدویت  
 موضوع: مهدویت  
 رده بندی کنگره: ۱۳۷۷ ۴د۴/BP۲۲۴/۲  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲  
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۸-۲۳۰۱

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم سخن گفتن از مهدویت و ظهور یک منجی و مصلح که با قیام شکوهمندش جهان را دگرگون کرده، توحید و عدالت همگانی را در پهنه گیتی بگستراند، در واقع سخن گفتن از امید و پر کردن دلها از سرور و شادی است... سخن از آینده ای است که در آن از کفر و شرک و تبعیض و ظلم و استثمار، نشان و اثری باقی نخواهد ماند... سخن از نورانیتی است که بر جوامع بشری احاطه یافته، زندگی انسانها را درخشان خواهد نمود... سخن از اراده جهان است به دست توانای شخصیتی الهی و معصوم که با به همراه داشتن دو سلاح مهم، یعنی علم و قدرت ما فوق بشری، جهان را به سامان خواهد آورد نابسامانیها را خواهد زدود و چهره فرو افتاده در بدبختیها و شقاوتها و تباهیهای جهان را به چهره ای شاد و سرزنده و شاداب از ایمان و سعادت و تقوا مبدل خواهد نمود. آری، سخن از مهدویت، سخن از امیدی است که هرگز نخواهد [صفحه ۴] مرد و یادآور خورشیدی است که هیچ گاه از دلها غروب و افول نخواهد کرد. بلا تردید انسان زمان ما، با گفتگو و بحث از ظهور مصلحی دادگر، به فردایی دل خواهد بست که چندان دور نیست و احتمال آمدنش هر روز وجود می دارد. اعتقاد و باور به بزرگ انقلابگری که همه انبیا به پیروان خویش مژده ظهورش را داده اند، و هر کس به زبانی سخن از وصف وی گفته و به ویژگیهایی او را ممتاز کرده است، یکی از مشترکات همه ادیان الهی است. و از سوی دیگر اندیشمندان و متفکران سترگ نیز درباره امید به آینده و نیاز بشر به حکومت جهانی و راه رسیدن به جامعه ایده آل سخن گفته اند و نتایج دریافتهای ذهنی خویش را در دسترس انسانهای حق جو نهاده اند. و لذا در کتب گوناگون آسمانی و غیر آسمانی نشانه های فراوانی از چنین مطلبی را می یابیم که قدر مشترک تمام آنها در این کلام

خلاصه می شود: جهان سرانجام به کار پارسایان خواهد گردید و چهره فعلی دنیا دگرگون خواهد شد. برای آنکه این کلام بدون دلیل تلقی نگردد، سیری سریع در مساله مهدویت و ظهور منجی و مصلح خواهیم داشت. نخست از سوی متفکران و اندیشمندان بشر، و آنگاه از منظر ادیان به این قضیه نظر خواهیم افکند. [صفحه ۵] ظاهراً نخستین اندیشمندی که این مساله، یعنی زندگی در محیطی ایده آل را مطرح ساخته افلاطون است. او تجسم این آرزو را در شهری خیالی به نام مدینه فاضله یا اوتوپیا بیان نموده است. خلاصه سخن او درباره مدینه فاضله، یعنی اجتماعی که در سطحی محدود تحقق بخش نیازهای انسانی است، چنین است: اگر مکردمان سادگی را در پیش گیرند، عدالت موضوعی سهل و ساده خواهد بود. و زندگی در چنین جامعه ای اینگونه است که این مردمان باید برای زیست خویش غله و نوشابه و لباس و کفش تهیه کرده و برای خود منازلی را بسازند. کافی است که در هنگام تابستان غالب برهنه و بدون کفش کار کنند و در زمستان به قدر کافی کفش و لباس بپوشند. غذای آنها از جو و گندم خواهد بود که از این دو یا به صورت بریان شده و یا نان استفاده کنند. به این ترتیب خود و کودکانشان - با رعایت محدودیت در تولید مثل - به عیش و خوشی زندگی می کنند و از نوشابه هایی که خود ساخته اند استفاده می نمایند و تاجی از برگ گل درختان بر سر می گذارند و همواره سپاس خدای را می گویند. و به این ترتیب سالیان درازی را در صحت و آرامش حقیقی به سر می برند و پس از مرگ، یک چنین زندگی را که کمال مطلوب است، برای فرزندان خود به ارث می گذارند. اما اینکه چرا تاکنون چنین اجتماعی به وجود نیامده است، علت آن حرص و آز مردم و تفنن و تجمل پرستی آنان است. [صفحه ۶] مردمان به زندگی ساده قناعت نمی کنند و سودپرست و جاه طلب و رقابت جو و حسود هستند. آنها از آنچه خود دارند زود سیر می شوند و در آتش حسرت آنچه ندارند می سوزند. در نتیجه طایفه ای به طایفه دیگر تجاوز می کنند و از همین رهگذر جنگ در گیر می شود. در این هنگام نقش حکام و زمامداران بسیار مهم خواهد بود. زیرا هر دسته و گروهی که بر مردم حکم برانند، این احتمال و خطر وجود دارد که آن جماعت و گروه در راستای تامین منافع خود مشکلات تازه ای را به وجود آورده، برخوردها را تشدید نمایند. پس تنها ره هدایت اجتماع و تشکیل مدینه فاضله آن است که حکام و فرمانروایان از فلاسفه باشند. این مطلب، یعنی بر پایی جامعه سراسر عدالت، از سوی دیگر اندیشمندان نیز مطرح و پیشنهاد گردیده و طرحهایی مشابه افلاطون ارائه کرده اند. و از آن جمله اسکار وایلد نویسنده انگلیسی است که چنین عبارتی را بیان می نماید: نقشه جهان نمایی که مدینه فاضله را نشان ندهد، حتی ارزش این را ندارد که به آن نگاه کنند. زیرا این نقشه مملکتی را که انسانیت در آن فرود آمده است کنار گذاشته است. هنگامی که انسانیت در چنین مملکتی فرود آمد، به اطراف نظر می اندازد و همین که ناحیه بهتری پیدا کرد، کشتی خود را به [صفحه ۷] سوی آن می برد. پیشرفت، تحقق مدینه فاضله است. [۱] اسکار وایلد معتقد است که انسانیت با وجود مدینه فاضله محقق خواهد شد و بدون آن اساساً انسانی وجود نخواهد داشت، پس برای آنکه پیشرفت را تحقق بخشیده باشیم، باید که مدینه فاضله را بسازیم. در مورد نگرانیهایی که بزرگان عرصه علم و فلسفه از وضعیت نابسامان جهان و قرن پیشرفت تکنولوژی داشته اند و دلهره هایی که نسبت به وقوع یک جنگ همه گیر دیگر با وسعتی وحشت انگیز و با قدرت ویرانگر و اهریمنی سلاحهای هسته ای ابزار نموده اند، مسائل فراوانی را می توان یافت. و از جمله آن مسال اینکه: برای پیشگیری از چنین حادثه ای هستی سوز چه باید کرد و چه تمهیدی باید اندیشید؟ در پاسخ به این سوال، متفکران بشری پاسخیابی داده اند که با رعایت اختصار به آنها توجه می کنیم: راسل فیلسوف انگلیسی نام آور معاصر، در کتابی تحت عنوان آیا بشر آینده ای هم دارد چنین ابزار عقیده می کند: شبی بر ما سایه افکن است. گروهی مرغان وحشی دریایی آرام در امتداد مدار قطب شمال پرواز می کنند و در پرد را دار [صفحه ۸] شوروی یا ایالات متحده پدیدار می شوند. [۲] پرده را دار گروه مرغان را موشکهای طرف نشان می دهد. حکومت ایالات متحده و یا شوروی هر کدام بیدرنگ حمله انتقامی را آغاز می کنند. علاوه بر احتمال خطای بشری، همیشه احتمال خطای مکانیکی هم در کار است. مکانیسم ذی مدخل در این کار بسیار بغرنج است و پس از آنکه بمب افکنها بر اثر اشتباه روانه مقصد شدند، کسی نمی تواند تضمین کند

که دستور فراخواندگی به موقع بدان برسد. اگر به موقع این دستور دریافت نشود، نژاد بشر از میان رفته است... من در لحظه های تاریک ژوئیه ۱۹۷۱ به نوشتن مشغولم و نمی دانم نژاد بشر آن قدر دوام می کند که نوشته من منتشر یا در صورت انتشار قرائت شود یا نه. اما هنوز امیدواری هست. و تا امید وجود دارد، ناامیدی از بزدلی است.... این متفکر زمان ما که از وقوع جنگ سوم که منجر به از بین رفتن نژاد بشر می شود تا این اندازه هراسناک است، در کتاب دیگری که به نام امیدهای نو در دنیای متغیر ترجمه شده است چنین می گوید: هر روز این احتمال هست که نائره جنگ سوم جهانی مشتعل شود. کسانی از ما که آرزو دارند جهانی را که بشر می تواند به وجود آورد ببینند، نباید اگر جنگ سوم هم روی داد از امید و ایمان خود دست بردارند. وظیفه ما این است که هر قدر هم [صفحه ۹] ظلمت و ماتم و غم بر جهان مستولی شود، امید خود را زنده نگاه داریم و افکار خود را علی رغم بدبختیهای حال، متوجه آینده کنیم... پس موجبات جنگ را باید از میان برد و بهترین راه حل آن است که دولتهای مختلف و متعددی وجود نداشته باشند تا میان آنها جنگی در گیرد. ترتیبی باید داد که دولتهای متعدد از بین رفته و تمام خلق دنیا یک کاسه و یکجا اتباع یک حکومت واحد جهانی گردد.... هماهنگی ملتها تا آنجا برسد که همگی هدفشان تاسیس یک حکومت جهانی باشد.... مادام که دولت جهانی تشکیل نشده، وقوع جنگهای عظیم اجتناب ناپذیر است. می بینیم که آقای راسل بزرگترین گرفتاری بشر و جنگ و عظیمترین نیاز او را صلح می داند و برای بسط و جایگزینی صلح در اجتماعات بشری، تنها راه حل را تشکیل یک حکومت جهانی واحد و تسلیم شدن انسانها در پهنه گیتی به آن حکومت می داند. سیاستمدار و دانشمند فقید هند جواهر لعل نهرو هم در این عرصه وارد شده و چنین امید بخشی می نماید: در دنیایی که پر است از کشمکش و نفرت و خشونت، اعتقاد بستن به سرنوشت انسانی ضروریت از هر زمان دیگر است. هر گاه آینده ای که ما برای آن کار می کنیم سرشار از امید برای بشریت باشد، با سامانیهای دنیای کنونی چندان اهمیتی [صفحه ۱۰] ندارد و کار کردن برای آن آینده دارای حقانیت است. [۳] و فیلسوف انگلیسی به نام بنتام برای به سامان رسیدن نا سامانیهای زمانه ما اینگونه راهنمایی می کند: اگر بتوان این چهار نوع حقوق یا قانون (حقوق طبیعی یا قانون طبیعت، حقوق اخلاقی یا قانون اخلاق، حقوق سیاسی یا قانون دولت، حقوق مذهبی یا قانون دین) را با یکدیگر ترکیب کرده و مبدل به یک کد واحد نمود، مسلما بشر به عالیترین نقطه کمال خواهد رسید. [۴] مراد بنتام آن است که از پراکندگی و تنوع قوانین گوناگون باید اجتناب نمود و این همه تشتت و تنوع را به کناری نهاد و همه را یکپارچه و یک کاسه کرد و در چنین صورتی است که بشریت در منتهای سعادت زیست نموده، به عالیترین نقطه کمال خواهد رسید. متفکر دیگر به نام هندریک. و. وان لون چاره و درمان بیماریهای انسانیت را چنین بیان می دارد: مقصود از تمام بیانات این است که دنیا احتیاج شدید به اشخاصی دارد که بتوانند سکان و زمام اختیار کشتی تمدن را در دست بگیرند. این اشخاص باید با جرات و ایمان باشند و بدانند که نوع بشر تازه در ابتدای مسافر خویش است و برای رساندن کشتی به بندر مراد باید به سبک و شیوه جدید [صفحه ۱۱] کشتیرانی آشنایی حاصل نمایند. این اشخاص باید مدتی در مدرسه زمانه شاگردی نمایند و به زور بازو راه خود را هموار ساخته، خود را به جلو کشتی که محل حکمفرمایی ناخدایان است برسانند. احتمال هم می رود که ملاحان و زیر دستان بیخرد و ناراضی از اطاعت اوامر آنها سرپیچیده، آنها را به تل برسانند، ولی عاقبت روزی می رسد که ناخدای بزرگی کشتی را به مقصد می رساند و در تاریخ نوع بشر به نام قهرمان بزرگ بنی نوع انسان مشهور خواهد گردید. [۵] پروفیسور آرنولد توین بی مورخ معروف و فیلسوف نامور انگلیسی، ضمن نطقی در کنفرانس صلح نیویورک گفت: تنها راه صلح و نجات بشر، تشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاحهای اتمی است. یکی از شگفت ترین اظهار نظرها، مطلبی است که فیلسوف بسیار مشهور فرانسوی ژان پل سارتر بنیانگذار نوین اگزیستانسیالیزم در مصاحبه ای که با وی به عمل آورده اند اظهار داشته است. در این کتاب که تحت عنوان آنچه من هستم ترجمه شده، چنین می خوانیم: برای اینکه توافق اجتماعی حقیقی ایجاد شود، باید هر کسی کلا برای همسایه اش وجود داشته باشد و همسایه اش نیز کلا برای او. و این امر امروزه تحقق پذیر نیست. اما به عقیده من [صفحه ۱۲] هنگامی که

دگر گونیهای اقتصادی و فرهنگی و عاطفی میان مردم ایجاد شد، این نیز تحقق خواهد یافت. ابتدا با حذف کمبودهای مادی که به نظر من اساس کلیه تضادهای دیروز و امروز آدمیان است. آن روز هم بی شک تضادهای تازه ای در بر خواهد داشت، تضادهایی که در تصور من و هیچ کس دیگری نمی گنجد، اما مانع ایجاد اجتماعی نخواهد بود که در آن هر کس خود را به تمامی تسلیم کسی کند که خود را تسلیم او خواهد کرد. چنین جامعه ای مسلما جامعه جهانی خواهد بود. سارتر بدون آنکه اعتقادی به مذهب و آیینی داشته باشد، در این مصاحبه، جهانی بدون تراحم و تضاد را ترسیم می کند که همه چیز از آن همه کس بوده و در آن جهان انسانها در برابر یکدیگر حالت ایثارگری خواهند داشت. راییند رانات تاگور شاعر اندیشمند هندی، در این ارتباط چنین عنوان داشته است: اکنون من مرتکب این گناه نمی شوم که اعتقاد را نسبت به انسان از دست بدهم و شکست کنونی بشریت را شکست نهایی بشمارم. من به آینده می نگرم و زمانی را در نظر می آورم که این فاجعه عظیم به پایان می رسد و زمانی را در نظر می آورم که تاریخ ورق می خورد و آسمان دوباره سبک می گردد و از شهوات تهی می شود. شاید سپیده این صبح روشن فردا از افق شرق برخیزد که خورشید نیز از آنجا [ صفحه ۱۳ ] می دمدم. در آن هنگام انسان شکست نایافته میراث از چنگ رفته خود را دوباره به چنگ خواهد آورد. آری، با وجود تمامی دشواریها و مشکلات و تیرگیها در زندگی کنونی، نباید امید را از دست داد. چرا که در پس این شب تا روزی روشن تجلی و ظهور خواهد کرد و این ظهور از مشرق زمین خواهد بود. چندین سال پیش یک روانشناس ایرانی با اشتیاقی فراوان به ملاقات جامعه شناسی بزرگ دست می یابد. این جامعه شناس نامور قرن بیستم کسی نیست جز پیتیرم الکساندروویچ سوروکین. وی در انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷ در روسی از همکاران لنین به شمار می رفت و در به ثمر رساندن انقلاب سوسیالیستی نقشی بزرگ را ایفا می کرد. ولی پس از استقرار سوسیالیسم در روسیه، مخالفتهای وی با خود کامگیها و ستمها و قتلهای سردمدران آن رژیم آغاز می شود و او را به جرم این مخالفتهای، با تخفیف در مجازات، از روسیه به آمریکا تبعید می نمایند. و در آمریکا از او استقبال شده، و برای تدریس کرسی جامعه شناسی در دانشگاههای هاروارد و مینه سوتا از وی دعوت به عمل می آید که در آنجا نیز به خاطر بیان حقایق مورد بیمهری قرار می گیرد. و سر انجام به علت ابتلا به بیماری سرطان ریه در دهم فوریه ۱۹۶۸ از دنی می رود. به هر حال این جامعه شناس، اندیشمندی است پر آوازه که دو مسلکو ایدئولوژی را به چشم خویش دیده و دو نوع زندگانی [ صفحه ۱۴ ] اجتماعی را شاهد بوده و در هر دو کشور روسیه شوروی سابق و آمریکا تدریس نموده است و فردی است که دنیا سخنانش را ارج فراوان می نهد. اینک برخی از سخنان او را در مصاحبه با آن روانشناس ایرانی که در کتاب خداوند دو کعبه آمده است ذکر می نمایم: در ارزیابی تمدن مادی، ما باید بدانیم که آن هرگز بهترین و کاملترین نوع تمدن بشری نیست، خالی از نقصها و عاری از نارساییها نیست. ضمنا در راهی هم که گام نهاده است در آن حد کمال نهایی کافی و جامع مادی وجود ندارد. راهش به بن بست می خورد مگر آنکه از خشونتها، نابیناییها و انکارهای خود بکاهد. و این کاستن جز با پیوند داشتن با موالید و گرایشهای فرهنگ مذهبی و معنوی میسر نیست. چون تمدن معنوی و فرهنگ مذهبی نیز در حد خود از برنایی ها و آفرینندگیهای پر ارزش و دلربایی برخوردار بوده و هست. این دانشمند پس از اعلام تأثر و افسوس خویش از آنچه در دو قطب بزرگ جهان ما می گذرد، در عین حال از امید خویش نسبت به آینده بشر دست بر نمی دارد و جالب آنکه برای ادیان بزرگ نسبت به آینده نقشی بسیار با اهمیت و قابل ملاحظه قائل است. به برخی از سخنان وی در این زمینه و از همان کتاب توجه فرمایید: در این آینده با شکوه، همچنانکه علم و فلسفه نقشی به عهده دارند، ادیان بزرگ را نیز سهمی بس گرانقدر است. [ صفحه ۱۵ ] همواره در گذشته هنگام فروریخت کاخ فرسوده تمدنهای مادی، طلایه امید بخش فرهنگی معنوی و مذهبی، از رنج انتظار مردمی که در شوق جهانی بهتر سوخته اند آشکارا کاسته اند. ادیان بزرگ عموما، همه در دوره های نهایی بحرانهای عمیق تمدنهای مادی پدید آمده اند. رستاخیز این ادیان، با عرضه داشت ارزشهای معنوی تازه و یا تحکیم مبانی ارزشهای روحانی سست شده، در برابر ما دیگری افراطی فرهنگ منحط زمان خود بوده است. آری، این چنین است که اندیشمندان راه نجات بشر را



از مخمسه های کنونی و گرفتاریهای فعلی، تشکیل یک حکومت واحد جهانی که در آن بحث بهره‌وری و بهره‌کشی انسانها از انسانها مطرح نباشد، عنوان داشته‌اند و به عنوان یک عامل بسیار مهم در اداره چنان حکومتی، از آیین و مذهب نام برده‌اند. و این همان سخنی است که کلیه ادیان الهی در آثار خویش به آن ناطقند و پیروان خویش را به چنان سعادت‌ی نوید داده‌اند. و به تعبیر دگر، آنچه صاحب‌نظران و اندیشمندان دلسوز بشر پس از تفکر و اندیشه و تجربه‌های تاریخی به آن دست یافته‌اند، ادیان بزرگ الهی عموماً و آیین مقدس اسلام خصوصاً، در موارد گوناگونی مژده و بشارت تحقق و وقوعش را داده‌اند که در قسمت بعدی این نوشته به آن خواهیم پرداخت. [صفحه ۱۶]

## ادیان و مهدویت

همه انبیا و ادیان الهی به شهادت آثار باقیمانده، به پیروان خویش بشارت و مژده آمدن روزی را داده‌اند که در آن روزگار جهان به کام اهل صلاح و ایمان گردیده، نابسامانی و فساد و بیدادگری از جهان رخت بریندد. نهایت آنکه ادیان به تناسب قدمتشان، دستخوش تغییر و تحریف و دگرگونی قرار گرفته و دست بشر در محتویات آنها راه یافته است. به همین دلیل هر چه بیشتر به عقب بر می‌گردیم، اصالت آثار برای مانده از ادیان بیشتر مخدوش می‌گردد. ولی به هر حال از جمله امور مشترک و مسلمی که در تمامی ادیان آسمانی وجود دارد، همین مساله اعتقاد به ظهور منجی و مصلح است، یعنی اعتقاد به شخصیتی الهی که با نیروی ما فوق‌الطبیعه خود چهره جهان را دیگر کند و انسانی را تحولی نو عنایت نماید. گرچه این موعود در زبان ادیان به نامهای گوناگون نامیده شده است، ولی کاری که انجام خواهد داد و تحولی که ایجاد خواهد نمود، در همه کتب به یک شکل و با یک مضمون آورده شده است. در آغاز این بحث به دین ایران باستان عنایت می‌کنیم، یعنی آیین حضرت زردشت که قطعاً در آغاز آیینی توحیدی بوده ولی در گذر ایام و زمانه توسط حوادث گوناگون دستخوش تغییرت و تحریفات فراوانی واقع شده است. [صفحه ۱۷]

در کتب مقدسه منسوب به آیین زردشت، به امور و مسائل فراوانی درباره مصلح عالم برخورد می‌کنیم که خلاصه و ما حصل آن این است که نبرد دائمی ما بین نیکی و بدی - ی سپتامینو و انگره مینو - به پایان نخواهد رسید مگر به ظهور شخصیتی بزرگوار به نام سیائوشیانس و یاسائوشیانس پیروزگر و اوست که به دست توانایش عدالت و راستی و نیکی را بر پهنه زمین گسترده خواهد نمود و بشریت را از این همه نابسامانی و ظلم و ستم و زشتی خواهد رها کند. در این مورد به عباراتی از کتب مقدسه زردشتیان توجه فرمایید: کی مزدا سپیده رخشان پیروزی جهان را در بر خواهد گرفت؟ کی رخسندگی آفتاب دین همه جا را تابان خواهد ساخت؟ کی سوشیانس ها فراوانی و زیادگی خواهند یافت تا از پرتو کار و کردارشان دین گسترده شود؟ [۶] و نیز در یشت ها که قسمتی از او ستاست چنین می‌خوانیم: فر کیانی نیرومند مزدا آفریده را می ستاییم... هنگامی که استوت - ارته (یکی از سه پسر آینده زرتشت می باشد) از مادرش ارد - فذری زاده می شود و موسوم است به سئوشینته که در آخر زمان ظهور می کند و با ظهور او رستاخیز مردگان شروع شده و عمر جهان به سر می رسد. و در کتاب زند که از کتب مذهبی زردشتیان است نیز اشاره به انقراض اشرار و وراثت صلحا نموده گوید: [صفحه ۱۸] لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند. چه، در هنگام تنگی از جانب اور مزدا که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند. و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند. و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست. پس بر حسب مندرجات کتابهای مقدس زردشتیان، به دست توانای سوشیانس پیروزگر سرانجام لشکر اهریمنان هزیمت کرده و سباه ایزدان جهان را خواهد گرفت. و جالب آنکه زردشتیان دعایی دارند به نام دعای زود آمدن سوشیانس که جهت تسریع در آمدن این شخصیت

آن را می خوانند. در کتابهای مذهبی هند و نوشته شده که: در اواخر دوران چهارم، مردم روی زمین به فساد گراییده و بیشترشان کفر ورزیده و مرتکب گناهان بسیار شوند و فرومایگان به نامداری رسیده و بسن گرگ درنده به جان دیگران می افتند و هر چه را به دست بیاورند به یغما می برند. کاهنان و روحانیان هم مانند آنها فاسد می گردند و اکثریت با دزدان می شود و مردم پرهیزکار و پارسا همه جا مورد تحقیر [صفحه ۱۹] و اهانت قرار می گیرند. آنگاه شخصیتی بنام برهمن کلا - به معنی روحانی نیرومند - با شمشیر آخته و با نیروی مقاومت ناپذیر مفسدان را از میان بر می دارد و زمین را از پلیدیها پاک می سازد و نیکان و پاکان را باقی می گذارد تا به تناسل ادامه دهند. [۷] و نیز در کتاب بهگودگیتا (نغمه آسمانی) از کتابهای مذهبی هندو آمده است: وقتی که تقوا و عدالت از میان مردم برود و گناه شیوع یابد، من خود در دنی ظاهر می شوم برای حفظ خوبیها و هلاک بدکاران و استقرار عدالت و پرهیزکاری. [۸] البته مراد از آمدن من ممکن است آمدن بزرگواری باشد که از سوی خدا می آید و قدرت و توان او از خدا نشأت می گیرد و به دست توانمندش ریشه فساد را از زمین بر می کند. در بیان منسوب به حضرت ادریس پیغمبر آمده: در عصر ظهور مصلح عالم چنان برکات آسمانی و زمین را نازل می کنم که زمین از جهت خوب بودن نباتات درخشندگی خاصی پیدا می کند. تمام میوه ها و انواع گیاهان خوشبو به دست می آید. و بین مردم الفت و محبت ایجاد می کنم چنانکه همه با هم مساوی گردند و ارزاق بین آنان [صفحه ۲۰] به طور مساوات تقسیم شود، به نحوی که فقیر بی نیاز شود. و دیگر کسی بر کسی برتری نمی جوید و بزرگی نمی کند. بودائیان نیز (اگر بودا را پیامبر بدانیم که البته این مطلب احتمالش بسیار بعید است) همانند دیگر امتهای معتقدند که در آخرالزمان، بزرگی تحت عنوان بودای پنجم ظهور کرده، جهان را از حیطة ظلم و ستم به سوی عدالت و دادگری خواهد کشاند. و اما در کتابهای آسمانی دیگر که به نامهای عهد قدیم و عهد جدید موسوم است، از پیامبران گوناگون چون داوود و اشعیا نبی و حضرت عیسی مسیح علیهم السلام مطالبی که آینده روشن بشریت را نوید می دهند آمده. و عجیب آنکه این بشارات با موعود اسلام یعنی حضرت حجه بن الحسن علیه السلام و نیز آمدن حضرت عیسی مسیح علیه السلام کاملاً تطابق دارد. در زبور یا مزامیر داوود علیه السلام دو بشارت است که به ترتیب آن دو بشارت را ذیلاً می آوریم: به سبب شیرین خویش را مشوش مساز... زیرا که مثل علف بزودی بریده می شوند... و بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن... زیرا که شیرین منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود - هان بعد از اندک زمانی شیرین نخواهد بود - و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی و سلامتی متلذذ خواهند گردید... شیرین شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده اند تا مسکین و فقیر را بیندازند و راست روان را مقتول سازند. شمشیر ایشان به بدن خودشان [صفحه ۲۱] فرو خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد... زیرا که بازوی شیرین شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تایید می کند... زیرا شیرین هلاک می شوند. [۹] در این بشارت واضح می گردد که بدکاران و شیرینان از بین رفته و حلیمان و منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود و سرانجام صالحان با تایید خداوندی پیروز خواهند گردید. و اما در بشارت دیگر در مورد فراوانی سلامت و وفور نعمت و نجات دادن فرزندان فقیر و زبون ساختن ظالمان، مطالب جالبتر و جامعتری در همین مزامیر داوود آمده است به شرح ذیل: ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه. و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مسکین تو را به انصاف. آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را باز خواهند آورد و تلها نیز در عدالت مسکین قوم خود را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمان را زبون خواهد ساخت. از تو خواهند رسید مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات. او مثل باران بر علفزار چیده شده فرو خواهد آمد و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می کند، در زمان او صالحان خواهند شکفت و فور سلامتی خواهد بود. و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دری و از نهر تا اقصای جهان. به [صفحه ۲۲] حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید. پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد. پادشاهان شبا و سبا ارمغانها خواهند رسانید. جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتهای او را بندگی خواهند نمود. زیرا چون مسکین استغاثه کند او را

رهایی خواهد داد و فقیران را که رهاننده ندارد. بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود... و فراوانی غله در زمین بر قله کوهها خواهد بود. [۱۰] بدون کمترین تردیدی، از این بشارات گسترش یک حکومت جهانی بلا منازع استفاده می شود به گونه ای که تمام زمین مطیع و مسخر یک فرمانده واحد خواهد گردید و زمانی خواهد رسید که صالحان خواهند شگفت و سلامتی به وفور یافت شود. و قدر مسلم آنکه این حکومت به دست توانمند شخصیتی استقرار خواهد یافت که عظمتش با هیچ یک از پیامبران و بزرگان قابل مقایسه نیست. و تمام بشرتها نیز به صیغه آینده بیان گردیده و این چنین فر و عظمت و شکوهی تا کنون در زمین در هیچ زمانی موجود نگردیده است. لذا با توجه به وسعت و عظمت قضیه از یک سو، و به وجود نیامدن چنین حکومتی تا کنون از سوی دیگر، براحتی می توان این مطلب را دریاف که بشریت در آینده شاهد وقوع چنین رخدادی عظیم خواهد گردید، حکومتی که به دست توانمند آخرین حجت خدا [صفحه ۲۳] و واپسین امام راستین تشکیل شده و در آن صالحان وارثان زمین خواهند شد. در کتاب اشعیاء نبی از کتابهای منضمه تورات نیز چنین می خوانیم: و نهالی از تنه یسی [۱۱] بیرون آمده و شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و در جهت مظلومات زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد بود و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. [۱۲] آنچه را از آیات مذکور استنباط می گردد، می توان به صورت ذیل [صفحه ۲۴] خلاصه نمود. ۱- شخصیتی عظیم الشان از فرزندان حضرت داوود علیه السلام ظهور خواهد کرد. ۲- او مورد عنایت خاص خداوند است به گونه ای که روح حکمت و فهم و مشورت و قوت و معرفت و ترس از خداوند بر او قرار خواهد گرفت. ۳- در داوری بی نظیر خواهد بود. ۴- سلوک او با عدالت و امانت همراه است. ۵- در زمان وی آن چنان عدالت استقرار می یابد که دشمنان قطعی و جبلی چون گرگ و بره و پلنگ و بزغاله، گوساله و شیر و گاو و خرس با هم زندگی خواهند کرد. مسلم است که این بشارات جز بر وجود مقدس آخرین پیشوای الهی حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه منطبق نیست. زیرا آن بزرگوار از سوی مادر و الا تبارش نرگس خاتون نسبش به حضرت داوود علیه السلام می رسد. و نکته دگر آنکه در هیچ یک از ادوار بشری شخصیتی با چنان قدر و منزلت و با این همه امتیاز و کرامت الهی ظاهر نشده که بتواند عدالتی با این گستردگی و وسعت را در پهنه گیتی به وجود آورد و چنین زندگی ایده آلی را برای انسانها فراهم نماید. در اناجیل فعلی نیز علاوه بر آنکه از بازگشت حضرت مسیح به صورتی قطعی و یقینی گفتگو به عمل آمده است - که این مطلب در منابع اسلامی نیز موجود است که به هنگام ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام حضرت عیسی مسیح علیه السلام آمده، در پشت سر حضرت [صفحه ۲۵] مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند - مطالبی دیگر نیز به صورتی مجزا و مستقل از رجعت حضرت عیسی علیه السلام در این کتاب وجود دارد که برای نمونه به یکی از آنها اشاره می کنیم: اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتهای در حضور او جمع شوند و آنها را از هم دیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند. [۱۳] از آنجا که بشارت دهنده خود عیسی مسیح علیه السلام است، پس پسر انسان نمی تواند آن بزرگوار باشد و قطعاً مراد شخص دیگری است که در آینده ای خواهد آمد و به گاه آمدنش تمام امتهای در حضور وی جمع شوند و آمدن وی با شکوه و جلال هر چه تمامتر بوده و فرشتگان نیز در محضرش حاضر آیند. و این بزرگوار و صاحب شخصیت عظیم پسر انسان که بر کرسی جلال خواهد نشست و تمام امتهای در حضور او جمع شوند کسی نیست جز موعود اسلام و جهان و ادیان حضرت بقیه الله صاحب العصر و الزمان. آن چه از این بررسی فوق العاده اجمالی روشن شد آن که وعده

های تمام انبیای عظام الهی، دائر و ناظر به گسترش و بسط توحید و عدالت و آزادی و فراوانی نعمت و بهره‌وری مناسب از زندگانی و حیات و سرسبزی جهان و... می‌باشد و این وعده‌ها به دست با کفایت یک بزرگ‌مرد الهی و شخصیتی که موید به تاییدات خداوندی [صفحه ۲۶] است محقق خواهد گردید. این بزرگوار در ادیان گوناگون و مکاتبی که رنگ دین گرفته‌اند، چنین نامگذاری و یا تعبیر شده است: ۱- سوشیانس پیروزگر از نظر زردشتیان. ۲- بوادی پنجم از نظر بودائیان. ۳- برهمن کلا از دیدگاه برهمنیان. ۴- نهالی از تنه یسی و پسر پادشاه در زبور حضرت داوود. ۵- پسر انسان از نظر مسیحیان. اکنون زمان آن است که این بحث را از نظر آیین مقدس اسلام عموماً و از دیدگاه تشیع خصوصاً دنبال کنیم.

### مهدویت از نظر منابع اسلامی

همان‌گونه که می‌دانیم در اسلام دو مرجع جهت اخذ مسائل مذهبی وجود می‌دارد. و این دو مرجع همانها هستند که رسول اکرم (ص) در حدیث بسیار معروف و متواتر نقلین به این مضمون معرفی‌شان فرموده‌اند: مردم، من از میان شما می‌روم ولی دو چیز ارزشمند و گرانبها را در میان شما به یادگار می‌گذارم. و این دو چیز عبارتند از کتاب خدا یعنی قرآن کریم و اهل بیت. و این دو هرگز از هم جدا نشوند تا آنکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. و هر که به این دو چنگ زند هرگز گمراه نشود. [صفحه ۲۷] بنابر این در زمینه موعود و مصلح جهان نیز باید به سراغ این دو مرجع رفت و اصالت آن را از طریق آیات قرآن و احادیث و روایات صحیح‌ه معصومین سلام الله علیهم اجمعین دریافت.

### آیات قرآنی در مورد مهدویت

الف) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، چنین وعده فرموده که ایشان را در روی کره زمین خلافت بخشد، همان‌گونه که پیشینیان دارنده این صفت را خلافت بخشید، و دین پسندیده خود را برای ایشان بر همه ادیان عالم پیروزی عنایت فرماید و ترس و هراس آنان را به امنیت و آرامش خاطر تبدیل فرماید. پس از این رخدادها فقط مرا عبادت کنند و هرگز به من شرک نوزند. هر که پس از این امور کافر شود، به حقیقت از بدکاران خواهد بود. [۱۴] در این آیه پروردگار متعال چند وعده را نسبت به آینده بیان فرموده است: ۱- خلافت و زمامداری مومنان و دارندگان اعمال شایسته. ۲- جهانی شدن اسلام علوی و پیروزی یافتن این آیین بر همه ادیان جهان. ۳- تبدیل شدن ترس و هراس مومنان به امنیت و آرامش خاطر. [صفحه ۲۸] ۴- گسترش توحید و یکتا پرستی در پهنه و صحنه گیتی. با نگاهی و لو به اجمال در می‌یابیم که هیچ زمانی پس از رسول مکرم اسلام و نزول وحی را نمی‌توانیم در تاریخ اسلام سراغ بگیریم که این وعده‌ها در آن محقق گردیده باشد. و از آنجا که این وعده‌ها از سوی خدای متعال داده شده و مطمئناً خلاف نخواهد شد، پس بشریت عموماً و اهل ایمان و عمل صالح خصوصاً، باید روزی را شاهد باشند که در آن روز این وعده‌های چهارگانه محقق شده باشد. تحقق وعده‌های داده شده در این آیه، با قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام صورت خواهد پذیرفت و توحید و امنیت خاطر و آرامش و پیروزی اسلام بر همه ادیان، به دست با کفایت آن بزرگوار خواهد بود. چنان که در تفسیر صافی از امام سجاد علیه السلام نقل گردیده که می‌فرماید: مومنان در آیه - به خدا قسم - شیعیان ما اهل بیت می‌باشند که خداوند وعده داده است به آنها و آن را به دست مردی از ما که مهدی این امت است انجام خواهد داد. (ب) و می‌خواهیم بر کسانی از شما که در زمین ضعیف گردیده‌اند منت گذاشته و ایشان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. [۱۵] در این آیه نیز پروردگار مهربان اراده قطعی خویش را دائر بر [صفحه ۲۹] نجات مستضعفان بیان می‌فرماید که سرانجام بر ایشان منت نهاده و آنان را رهبران و وارثان زمین خواهد گرداند. و می‌دانیم که چنین امری تا کنون واقع نگردیده است و وعده خدا هم تخلف پذیر نیست. بنابر این زمین باید روزی را شاهد باشد که ارث برندگانش مستضعفان باشند. از حضرت

علی علیه السلام در بحارالانوار حدیثی در ذیل آیه فوق آمده به این شرح: کسانی که در روی زمین ضعیف گشته اند آل محمدند. و خدای تعالی مهدی ایشان را مبعوث نموده، ایشان را عزیز خواهد گرداند و دشمنانشان را ذلیل خواهد فرمود. (ج) اوست خدایی که پیامبرش را با مشعل هدایت و دین حق فرستاد تا آنکه آن دین را بر همه ادیان برتری بخشد گر چه کافران و حق پوشان و مشرکان از این مساله کراهت داشته باشند. [۱۶] در این آیه خدای متعال وعده فرموده است که آیین مقدس اسلام و شریعت حضرت رسول اکرم (ص) را بر همه ادیان پیروز و غالب فرماید و این مطلب حتما واقع خواهد شد و لو آن که مشرکان آن را ناخوش بدارند. و ما می دانیم که از زمان پیدایش این آیین آسمانی چنین روزگاری را مسلمانان به خود ندیده اند که دین مقدس اسلام بر تمام ادیان چیره گردد و در پهنه گیتی حکومت نماید. لذا شکی باقی نمی ماند که این وعده همانند دیگر وعده های خدای سبحان محقق [ صفحه ۳۰] خواهد شد و بشریت روزی را شاهد خواهد بود که نور درخشنده آیین خدا سراسر گیتی را روشن نماید. و تایید بر این برداشت روایتی است که از حضرت باقر علیه السلام در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه شریفه آمده است: این وعده به هنگام ظهور مهدی از آل محمد (ص) خواهد بود. پس کسی باقی نمی ماند مگر اینکه اقرار به رسالت و نبوت رسول اکرم. حضرت محمد (ص) خواهد کرد. در کتاب کمال الدین شیخ بزرگوار صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: نازل نگردیده تاویل این آیه و نازل نخواهد شد تاویل آن تا قائم آل محمد (ص) قیام کند. پس چون قیام کرد نه کافری باقی خواهد ماند و نه کسی که مشرک به امام باشد. مگر اینکه از خروج وی ناراحت باشد. (د) هر آینه در کتاب زبور که پس از تورات فرو فرستاده شده چنین مقرر کردیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد. [۱۷] این آیه شریفه مژده می دهد که چنین نخواهد ماند که جهان همواره به کام فاسدان و تبهکاران و جانیان باشد، بلکه زمانی خواهد رسید که بندگان صالح خدا صاحب و وارث این زمین خواهند گردید. این مهم به دست توانای حضرت ولی عصر ارواحنا فداه انجام خواهد پذیرفت. چنان که در تفسیر صافی از تفسیر علی بن ابراهیم [ صفحه ۳۱] نقل می کند که بندگان صالح در آیه حضرت قائم علیه السلام و اصحاب آن حضرت می باشند. و در مجمع البیان چنین آمده که امام باقر علیه السلام فرمودند: بندگان صالح در آیه اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان می باشند. [ صفحه ۳۲]

### نگاهی به مهدویت از طریق اهل سنت

در کتب بسیار معتبر اهل سنت احادیث فراوانی درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام می یابیم که به عنوان نمونه به برخی از آنها توجه می کنیم: در صحیح ترمذی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین می خواهیم: دنیا و زمانه به پایان نخواهد رسید تا آن که مردی از فرزندان من بر جهان حکومت نماید که نامش مطابق نام من باشد. این حدیث با مختصری اختلاف در کتاب مسند امام احمد حنبل نیز از رسول خدا (ص) نقل گردیده است. در سنن ابن ماجه قزوینی از رسول خدا چنین روایت گردیده است: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی خواهد فرمود تا مردی از خاندان من حکومت نماید. در کتابهای دیگر بزرگان از علمای اهل سنت و جماعت به دنبال ذکر این روایت فوق، این مطلب نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و [ صفحه ۳۳] آله اضافه گردیده است: نام او نام من و کنیه او کنیه من است. و او جهان را از عدالت و دادگری آکنده سازد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. جالب آن که برخی از ناموران عامه چنین مطلبی را از پیامبر اکرم نقل کرده اند که فرمود: مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه (ع) است. و از جمله راویان این حدیث جناب ام سلمه همسر صالحه رسول خداست که فرزند فاطمه بودن حضرت مهدی علیه السلام را از قول پیامبر نقل می نماید. حدیث فوق در دو کتاب معتبر اهل سنت و جماعت یعنی سنن ابوداود و سنن ابن ماجه قزوینی آمده است. همچنین برخی از علمای اهل تسنن درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام کتابهای مستقلی را تالیف نموده اند. از آن جمله اند: - حافظ ابونعیم اصفهانی: الاربعین،

مناقب المهدی و نعت المهدی. - حافظ یوسف گنجی شافعی: البیان فی اخبار صاحب الزمان. - حماد بن یعقوب: اخبار المهدی. - جلال الدین سیوطی: علامات المهدی. و خلاصه کلام آن که دانشمندان اهل سنت و جماعت، متجاوز از ۵۰۰ حدیث در بیشتر از ۶۰ کتاب خود در این زمینه آورده اند. و بنابراین مساله ظهور مصلح و منجی عالم از استحکامی بسیار بالا برخوردار می شود، به نحوی که می توان گفت کمتر مساله ای از [ صفحه ۳۴ ] مسائل اسلامی از چنین قاطعیت و استحکامی برخوردار باشد. آری، مطالعه و بررسی کتب اهل سنت و جماعت و نیز تفحصی نه چندان پر دامنه در اعتقادات برادران غیر شیعی از مسلمانان، این مطلب را بروشنی اثبات می نماید که اعتقاد و باور عمومی در میان آنان چنین است که در آخر الزمان شخصیتی از فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا سلام الله علیها به دنیا آمده و پس از مدتی به فرمان خدا قیام نموده، جهان را پس از آن که از ظلم و جور و ستم آکنده گردیده باشد، از عدل و دادگری مالا مال سازد، و در زمان حکومت او امنیت و فراوانی نعمت دامن خواهد گسترد و همه مردمان از نعمت یک زندگی سراسر سعادت‌مندانه بهره خواهند برد. البته بخش مورد اختلاف اعتقاد فوق با عقیده شیعیان، یعنی به دنیا آمدن حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان را بسیاری از اعترافات صریح دانشمندان و بزرگان اهل سنت و جماعت نیز رد و نفی می نماید. در میان آثار گوناگون دانشمندان سنی چند نمونه را انتخاب کرده به نظر خوانندگان محترم می رسانیم: ۱- سبط بن جوزی از علمای اهل سنت و جماعت در کتاب خویش تحت عنوان تذکره خواص الامه این گونه عنوان می کند: دوازدهمین امام و پیشوا، محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن... علی بن ابی طالب بوده و کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم است. و اوست آخرین بازمانده خدا و صاحب [ صفحه ۳۵ ] الزمان و قائم و منتظر و آخرین امام... و او همان کسی است که رسول خدا فرمود: در آخر الزمان مردی از خاندان من خروج می کند که اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من، زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. اوست مهدی موعود. ۲- گنجی شافعی (شیخ محمد بن یوسف بن محمد) کتابی دارد به نام البیان فی اخبار صاحب الزمان. این نویسنده شافعی علاوه بر آنکه کتابی مستقل درباره حضرت ولی عصر علیه السلام نگاشته، در کتاب دیگرش به نام کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب در باب هشتم قسمت ملحقات بعد از ذکر ائمه از فرزندان امیرالمومنین علیه السلام و بعد از ذکر نام و القاب حضرت عسکری علیه السلام چنین گوید:... و او فرزندش را جانشین خود قرار می دهد که همان امام منتظر باشد که صلوات خدا بر او باد. ۳- عبدالوهاب شعرانی در کتاب الیواقیت و الجواهر مبحث ۶۵ در باب اموری که قبل از قیامت کبری باید واقع شود سخن می گوید و از جمله چنین بیان می دارد: از جمله اموری که باید قبل از قیامت اتفاق افتد خروج مهدی علیه السلام است که آن بزرگوار از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است و تولد او شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ می باشد. و او باقی است تا با عیسی بن مریم گرد آید. ۴- حافظ محمد بن محمد بخاری معروف به خواجه پارسا در کتاب خویش موسوم به فصل الخطاب چنین گوید: [ صفحه ۳۶ ] و ابومحمد الحسن العسکری ولده (م ح م د) رضی الله عنهما معلوم عند خاصه اصحابه و ثقات اهله. یعنی: و ابومحمد حسن عسکری فرزندش محمد - که خداوند راضی می باشد از هر دو آنها - است و نزد خواص اصحاب و افراد مورد اعتماد خود، مشخص و شناخته شده است. ۵- شیخ سلیمان حنفی قندوزی در کتاب خویش به نام ینابیع الموده ص ۴۵۲ چنین گوید: و نزد افراد مورد اعتماد، محقق و مسجل است که ولادت قائم علیه السلام در شب پانزدهم سال ۲۵۵ در شهر سامرا انجام پذیرفته است. ۶- دانشمند دیگر عامه شیخ محمد بن ابراهیم حموی شافعی در فرائد السمطین از قول حضرت رضا علیه السلام چنین نقل می کند: امام پس از من فرزندم جواد التقی و پس از او فرزندش علی التقی و بعد از وی حسن العسکری و پس از او مهدی المنتظر است که اطاعت از او در زمان غیبت همانند زمان ظهور واجب است. ۷- نویسنده دیگر اهل سنت و جماعت یعنی سید مومن بن حسن شبلنجی در کتاب نور الابصار باب دوم ص ۱۵۲ چنین می نگارد: در ذکر مناقب محمد بن الحسن بن... علی بن ابی طالب. مادرش ام ولد بود که به ایشان نرجس و صقیل و سوسن هم گفته می شود. و کنیه اش ابوالقاسم است. و شیعه امامیه ایشان [ صفحه ۳۷ ] را حجت و مهدی و قائم و منتظر و صاحب

الزمان لقب داده اند که مشهورترین لقب ایشان مهدی است. ۸- محمد بن شحنه حنفی در کتاب تاریخ خویش موسوم به روضه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر جلد اول ص ۲۹۴ این گونه آورده است: و برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمد که دوازدهمین ائمه است و به او مهدی و قائم و حجت و محمد گفته می شود. و تولد وی در سال ۲۵۵ اتفاق افتاده است. پس روشن می گردد که اعتقاد به وجود امامی که در سال ۲۵۵ به دنیا آمده و هم اکنون نیز در قید حیات است و در آینده به فرمان حضرت حق جل و علا ظهور کرده و جهان را به نور عدالت و توحید منور خواهد نمود، خاص ما شیعیان نیست، بلکه تعدادی از دانشمندان اهل سنت و جماعت نیز به وقوع ودالات و دیر زیستی این بزرگوار اقرار و اعتراف نموده اند.

## مهدویت در نگاه تشیع

در کتابهای شیعه در این زمینه در ابواب و فصول گوناگون، از تمام ابعاد متنوع و حتی فروع مساله بسیار مهم مهدویت گفتگو به میان آمده و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی و برقرار کننده عدالت و دادگری همگانی و برافرازنده پرچم توحید و یکتاپرستی، به تمام خصوصیات و ویژگیها معرفی گردیده است. از جمله اموری که [صفحه ۳۸] درباره این شخصیت والا و عالی مرتبت ذکر شده می توان این موارد را بر شمرد: وی از فرزندان رسول اکرم (ص) و حضرت زهرا ی اطهر است. - فرزند دهم حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. - فرزند نهم حضرت حسین بن علی علیه السلام است. - فرزند هشتم حضرت علی بن الحسین علیه السلام است. - فرزند هفتم حضرت محمد بن علی الباقر علیه السلام است. - فرزند ششم حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است. - فرزند پنجم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. - چهارمین فرزند حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. - سومین فرزند حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام است. - دومین فرزند حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام است. - فرزند بلا فصل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. - مادر گرانقدر وی، علیا حضرت نرگس خاتون می باشد. - تولد وی در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء در امامت سرای حضرت عسکری علیه السلام واقع گردیده است. - دوران حمل و نیز وضع حمل حضرتش در اختفای کامل صورت پذیرفته است. - در پنج سالگی پس از شهادت پدر بزرگوارش حضرت عسکری علیه السلام مسئولیت امامت به عهده حضرتش محول می گردد. - دارای عمری بسیار طولانی است بدون آن که گذران عمر بر حضرتش اثری داشته باشد. [صفحه ۳۹] - وی دارای دو غیبت است: ۱- غیبت کوتاه مدت به مدت ۶۹ سال. ۲- غیبت بلند مدت که تا کنون ادامه دارد. - زمان ظهور آن حضرت مشخص نیست و هر هنگام که خدا اجازه فرماید از مسجدالحرام قیام فرموده، به نیروی الهی جهان را مسخر نماید و حکومت عدل الهی را استقرار بخشد. - در زمان غیبت بلند مدت آن حضرت فقیهان وارسته و مجتهدان متقی شیعیان را در اموری که پیش خواهد آمد هدایت و راهبری خواهند نمود. - در دوران غیبت آن حضرت باید اموری را مد نظر قرار داد، از آن جمله خودسازی و آراستگی به مکارم اخلاقی و فضایل معنوی و اسلامی، فکر شیعیان بودن و در رفع مشکلات و معضلات آنان گام برداشتن، و از همه مهمتر برای این مهم، یعنی قیام شکوهمند حضرتش، دعا کردن، که خود آن بزرگوار فرموده اند: برای تعجیل در فرج من بسیار دعا کنید. زیرا که دعا کردن شما بر فرج من باعث فرج خود شما خواهد بود. به امید آن که خدای سبحان به دعاهای خالصانه دلدادگان ظهور ترتیب اثر داده، ظهور و فرج آن تنها پناه شیعه و تنها امید مستضعفان جهان را هر چه زودتر مقرر فرماید.

## پاورقی

[۱] لذات فسفه - ویل دورانت.

[۲] این سطور سالهایی قبل از تجربه شوروی نگاشته شده است.

- [۳] پیام یونسکو آبان ماه ۱۳۴۸.
- [۴] تاریخ فلسفه سیاسی ج ۳ ص ۹۳۰.
- [۵] داستان بشر.
- [۶] یسنا - هات ۴۶.
- [۷] از کتاب ماللهند ص ۳۲۱.
- [۸] مقدمه اوپانشاد.
- [۹] مزامیر داوود، مزمور. ۳۷. ]
- [۱۰] مزامیر داوود، مزمور. ۷۲.
- [۱۱] یسی به معنی قوی پدر حضرت داوود بود.
- [۱۲] اشعیا نبی باب ۱۱ آیات ۹ - ۱.
- [۱۳] انجیل متی باب ۲۵ آیات. ۳۳ - ۳۱.
- [۱۴] نور / ۵۵.
- [۱۵] قصص / ۵.
- [۱۶] توبه / ۳۳.
- [۱۷] انبیا / ۱۰۵.